

# نیاز به مقررات مالی بین‌المللی کارآ و نقش یک ناظر جهانی

نویسنده: Kern Alexander

مترجم: الهام میرتهامی

ناظران بانکی و رؤسای بانک مرکزی کشورهای صنعتی عضو گروه ۱۰ می‌شود. این کمیته به عنوان کمیته مقررات بانکی و فعالیت‌های نظارتی شناخته شد و بعد از آن، به عنوان کمیته بال در زمینه نظارت بانکی شهرت یافت. فرض بر این است که این کمیته در برقراری اصول اختیاری و استانداردها، بر حسب بهترین روش‌های ممکن برای ناظران ملی و به منظور اجرای صحیح نظارت بر فعالیت‌های بین‌المللی مؤسسات بانکی نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند.

## ترتیبات بال (Basel Concordat)

کمیته بال در سال ۱۹۷۵، یعنی زمانی که به علت واکنش در برابر عدم موفقیت‌های بانکی که در بالا بدان‌ها اشاره شد، مورد توجه اندک قرار گرفت، ترتیبات بال را بوجود آورد. این ترتیبات شامل دستورالعمل‌هایی برای فعالیت بانک‌ها در خارج از حوزه اقتدار دولت‌های داخلی‌شان می‌شود و همچنین، به منظور اطمینان از انجام نظارت مالی مناسب و دقیق بر وظایف خاص ناظران دولت میزبان و دولت خانگی (دولت متبوع و اصلی بانک‌ها) و مقامات مسوول نظارتی تمرکز دارد. این کمیته، به ویژه پنج اصل مبنای ایجاد کرد تا چارچوبی برای مسوولیت‌های نظارتی ناظران بانکی کشورهای خانگی و میزبان به منظور نظارت بر مؤسسات بانکی چندملیتی (فعال در چند کشور) مشخص شود. این ترتیبات تأکید می‌کنند که تمامی فعالیت‌های بانک‌ها در کشورهای میزبان باید تحت نظارت مقامات مسوول نظارتی هر دو کشور میزبان و کشور خانگی صورت پذیرد. همچنین، توصیه می‌کند که مقام مسوول کشور میزبان باید در زمینه صحت و دقت نقدینگی بانک خارجی مسوولیت اولیه را به عهده بگیرد. مقام نظارتی کشور خانگی باید به نوبه خود مسوول اصلی نظارت بر برخورداری از قدرت پرداخت بدهی بانکش (بانک داخلی‌اش در کشور میزبان) باشد، هر چند که آن بانک در یک کشور خارجی فعالیت می‌کند. پنجمین اصل نیز بر ضرورت همکاری میان مقامات نظارتی کشور میزبان و کشور خانگی به منظور اصلاح تمامی محدودیت‌های قانونی در انتقال اطلاعات محرمانه مالی تأکید می‌ورزد، البته در صورتیکه اینگونه اطلاعات برای نظارت مؤثر لازم و ضروری باشند.

ترتیبات اصلاح شده سال ۱۹۸۳، در سال ۱۹۸۳، اعضای کمیته بال اصول جدیدی را برای اصلاح ترتیبات سال ۱۹۷۵ اختیار کردند. آنان اطمینان داشتند که نظارت مشترک و متحد می‌تواند بر یک مبنای چند ملیتی بوقوع پیوندد. این اصول،

این مقاله در نظر دارد تا نیاز بازارهای مالی به مقررات بین‌المللی را برآورد نماید و همچنین، نقش عملی و ممکن یک ناظر مالی جهانی را در ارائه مقررات مؤثر برای بازارهای مالی بین‌الملل نشان دهد.

این مقاله از سه بخش تشکیل شده است:

بخش اول، بحث پیرامون ماهیت ریسک نظام‌مند (سیستمیک) در سیستم مالی بین‌المللی و همچنین، ضرورت ورود حداقل استانداردهای بین‌المللی نظارت احتیاطی برای مؤسسات بانکی.

بخش دوم، تلاش‌های کمیته بال پیرامون نظارت بانکی به منظور ایجاد استانداردهای بین‌المللی غیراجباری برای کنترل ریسک نظام‌مند در بازارهای مالی. شایسته توضیح است که بحران مالی اخیر در آسیا، روسیه و آمریکای لاتین نشان می‌دهد که تلاش‌های غیررسمی و صوری هیأت‌های بین‌المللی مثل «کمیته بال» برای ارزیابی ریسک ناشی از عدم موفقیت سیستمیک در سیستم مالی نامناسب می‌باشند.

بخش سوم، بحث پیرامون نیاز مقررات مالی بین‌المللی مؤثر به اعمال ساختارهای نظارت کننده خاص. بدیهی است که این ساختارهای کنترل کننده، توسط یک ناظر جهانی مرتبط با مقامات مسوول نظارتی ملی، به اجرا در می‌آیند و در این ساختارها اعمال و وظایف زیر اجرا می‌شوند: ۱- تصویب و ارائه مجوز به مؤسسات مالی، ۲- وضع قوانین و استانداردهای نظارتی، ۳- نظارت بر بازارهای مالی، و ۴- هماهنگی با مقامات مسوول ملی برای تکمیل و تقویت چنین استانداردهایی.

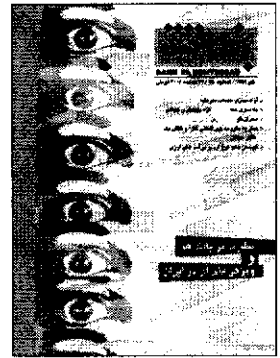
توضیح اینکه در این شماره، به علت ارتباط موضوع، بخش دوم این مقاله، یعنی چارچوب کمیته بال در زمینه نظارت بانکی را درج می‌کنیم و در شماره‌های بعد بخش اول و سوم آن را.

## چارچوب کمیته بال در زمینه نظارت بانکی

قبل از بررسی نقش و وظایف یک ناظر مالی جهانی، لازم است که بخش عمده‌ای از چارچوب نظارتی بین‌المللی فعال برای مؤسسات مالی را تحلیل کنیم. در اواخر سال ۱۹۷۴ «کمیته بال در زمینه نظارت بانکی» به عنوان کمیسیون دائمی بین‌المللی ناظران بانکی در واکنش به بحران‌های مالی ناشی از ضعف سیستم برتون وودز تشکیل شد. این کمیته متشکل از



○ ترتیبات بال بر این نکته تأکید دارد که تمامی فعالیت‌های بانک‌ها در کشورهای خارج باید تحت نظارت مقامات مسوول نظارتی هر دو کشور، یعنی هم کشور میزبان و هم کشور اصلی، صورت پذیرد، و مسوولیت اصلی در زمینه صحت و دقت امور نقدینگی بانک‌های خارجی هم به عهده مقامات مسوول کشور میزبان است.



اصول نظارت بر مؤسسات خارجی بانک‌ها را در بر می‌گیرند و به عنوان ترتیبات اصلاح شده شناخته می‌شوند.

ترتیبات اصلاح شده، اصول جدیدی را برای تخصیص مسوولیت‌های نظارتی بانک میان مقامات مسوول کشورهای میزبان و خانگی بوجود می‌آورند و بر این مهم تمرکز دارند که هیچ بانک فعال در کشور خارجی نمی‌تواند از نظارت دقیق و صحیح بگریزد. این ترتیبات، همچنین، نظریات و روش‌های نظارت مشترک و دو طرفه (یعنی از طرف کشور میزبان و کشور خانگی) را شامل می‌شوند. نظارت مشترک به معنای نظارت بر ریسک و درجه خطرپذیری (از قبیل تراکم ریسک، کیفیت دارایی‌ها و کفایت سرمایه گروه‌های بانکی تحت نظارت مقام مسوول خانگی و داخلی) است. این نظارت بر پایه مجموع داد و ستدهای آنها (در هر کجا که صورت پذیرد) انجام می‌شود. نظارت مشترک با ملتزم ساختن ناظر کشور خانگی برای نظارت بر کل درجه خطرپذیری و صحت سرمایه بانک کشور داخلی موجب می‌شود که مسوولیت‌های مقام مسوول ناظر کشور خانگی توسعه یابند. همچنین، ناظر کشور خانگی قادر خواهد بود تا بر کلیه فعالیت‌های چندملیتی بانک‌های داخلی اش نظارت کند. در مقابل، نظارت اصلی دو طرفه بدان معناست که مقام ناظر در هر کشور به طور همزمان توانایی سایر مقامات ملی را در جهت نظارت و انجام مسوولیت‌های مربوطه‌شان ارزیابی می‌کند. وقتی کشور میزبان تشخیص دهد که نظارت کشور خانگی نامناسب و غیردقیق است، به یکی از دو روش زیر اقدام خواهد کرد: ۱- کشور میزبان می‌تواند مجوز فعالیت مؤسسه کشوری را که بر مؤسساتش نظارت ناصحیح و غیردقیق دارد، رد کند، ۲- می‌تواند با ایجاد شرایط خاص، فعالیت‌های تجاری بانک‌های خارجی را که تمایل به فعالیت در کشور میزبان دارند، هدایت کند. حال اگر کشور میزبان نظارت دقیق و درستی را اعمال نکند، ترتیبات اصلاح شده از مقامات ناظر کشور خانگی می‌خواهند تا مانع گسترش فعالیت‌های بانکشان در کشور میزبان شود. در واقع، هدف این روش عمده دو طرفه، ممانعت از کاهش فعالیت‌های نظارتی کشورها در جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌های خارجی می‌باشد.

واکنش در برابر بانک اعتبار و تجارت بین‌الملل (BCCI) - حداقل استانداردهای بین‌المللی: هر چند که ترتیبات اصلاح شده و قانون متمم آن در سال ۱۹۹۰ توانستند استانداردهای شرح داده شده در ترتیبات سال ۱۹۷۵ را اصلاح کنند، اما هنوز هم در تخصیص مسوولیت‌های نظارتی شکاف‌های عمده‌ای وجود دارد. برای مثال، توانایی بانک اعتبار و تجارت بین‌الملل در گریز از نظارت‌های هر دو کشور میزبان و خانگی باعث سقوط این بانک شد. همچنین، این واقعه نمایانگر مشکلاتی است که در اثر نظارت غیردقیق و ناصحیح بانک‌های فعال در بیش از یک کشور (بانک‌های چندملیتی) بوجود می‌آید. در واقع، مسأله BCCI مسایلی جدی را در زمینه مقررات ناظر بر مؤسسات مالی بین‌کشورهایی ایجاد کرد. رسوایی و بدنامی این بانک باعث شد که کمیته بال در سال ۱۹۹۲ پیرامون حداقل استانداردهای نظارتی برای گروه‌های بانکی بین‌الملل و مؤسسات بین

کشوری آنها گزارشی را منتشر کند. حداقل استانداردها بر مبنای اصول نظارت مشترک و همچنین، نظارت عمده دو طرف و ارتباطات میان مقامات مسوول نظارتی بوجود آمدند و دستورالعمل‌های لازم برای اجرای این اصول را نیز شرح می‌دادند. این استانداردها اصول مهمی هستند که معیارهای روبه رشد نظارت احتیاطی و مقررات مؤسسات مالی چندملیتی را منعکس می‌سازند که می‌توان آنها را به صورت زیر خلاصه کرد:

۱- تمامی گروه‌های بانکداری بین‌الملل و بانک‌های بین‌المللی باید توسط مقام مسوول کشور خانگی - که قادر به اجرای نظارت‌های مشترک است - نظارت شوند.

۲- ایجاد یک مؤسسه بانکی بین‌کشوری باید موافقت و رضایت مقام ناظر کشور میزبان و همچنین، رضایت مقام ناظر کشور خانگی، بانک‌ها یا گروه‌های بانکی را به همراه داشته باشد.

۳- مقامات مسوول نظارتی باید برای جمع‌آوری اطلاعات از مؤسسات بانکی بین‌کشوری، بانک‌ها یا گروه‌های بانکی که در واقع ناظران کشور خانگی هستند، مجوز لازم را داشته باشند.

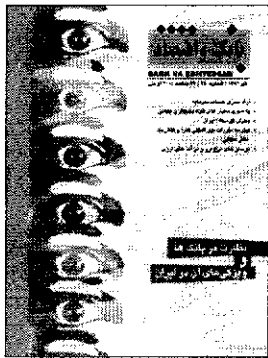
۴- اگر مقام مسوول کشور میزبان اعلام کند که هیچ یک از حداقل استانداردهای مذکور در بالا رضایت‌آمیز نیستند، آن مقام مسوول می‌تواند معیارهای محدود لازم برای ایجاد رضایت نسبت به مسایل احتیاطی را مطابق با حداقل استانداردها اعمال کند، معیارهایی همچون منع ایجاد یک مؤسسه بانکی، یا تأکید دوباره بر ضرورت نظارت مشترک. حداقل استانداردها توصیه می‌کنند که مقام مسوول کشور میزبان باید اطمینان یابد که کشور خانگی بانک گزارش‌های مالی مشترک از فعالیت‌های جهانی بانک را دریافت می‌کند، به نحوی که گزارش‌های مالی این بانک به کشور میزبان با گزارش‌های مالی که آن بانک به کشور خودش می‌دهد، برابر باشد.

همچنین، حداقل استانداردها ناظران کشورهای خانگی را ترغیب می‌کند که برای رضایت خودشان هم که شده، سعی کنند تا تمامی گزارش‌های مالی بانکشان کامل و معتبر باشند. به علاوه، ناظران کشور میزبان باید مطمئن شوند که ناظران کشور خانگی اختیار و اقتدار لازم را دارند تا از ایجاد ساختارهای سازمانی که بانک‌ها در کشور میزبان برای فرار از نظارت و معیارهای نظارتی بنا می‌کنند، جلوگیری و ممانعت به عمل آورند.

در سال ۱۹۹۶، کمیته بال، سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (IOSCO) و انجمن بین‌المللی ناظران بیمه (IAIS) گروه‌های مشترکی را پیرامون مجتمع‌های مالی تشکیل دادند تا برای مقررات ویژه مجتمع‌های مالی فعال در کشورهای مختلف و در بخش‌های مختلف خدمات مالی، استانداردهایی را بوجود آورند. در این اجلاس، شماری از پیشنهادها مربوط به اصلاح هماهنگی میان ناظران منتشر شد، و به ویژه، پیشنهاد شد که یک ناظر اصلی و رده اول برای هر مجتمع تعیین شود و همچنین، انتخاب او بر پایه

هیچ بانک فعال در کشور خارجی نمی‌تواند از نظارت صحیح و دقیق بگریزد.

هدف از نظارت دو طرفه، همانا ممانعت از کاهش فعالیت‌های نظارتی کشورها در جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌های خارجی می‌باشد.



فعالیت‌های کلی مجتمع صورت پذیرد. در مورد مجتمع‌های ادغام شده با فعالیت‌های مالی و سایر فعالیت‌ها هم پیشنهاد شد که بخش‌های مختلف گروه بانکی توسط اشخاص دارای صلاحیت قانونی هدایت شوند. در فوریه ۱۹۹۹ هم در این اجلاس یک گزارش نهایی منتشر شد که فن‌آوری‌های مربوط به اندازه‌گیری و اصول مربوط به تعیین صحت و درستی سرمایه مجتمع‌های مالی را در بر می‌گیرد.

**موافقت‌نامه‌های سرمایه‌بال:** یکی دیگر از بخش‌های اصلی چارچوب نظارتی بال، در واقع، مفهوم صحت سرمایه برای مؤسسات مالی است. به دنبال افت ناگهانی بازارهای بورس اروپا و ایالات متحده در سال ۱۹۸۷ (سه شنبه سیاه)، کمیته بال سعی کرد تا روش‌های مورد نیاز برای جلوگیری از بحران‌های مالی ناشی از انتقالات غیرمنظم سرمایه را کشف کند و همچنین، از کافی بودن نیاز سرمایه‌های مؤسسات مالی مطمئن شود. بیشتر ناظران بانکی نگران این نکته هستند که نیازهای سرمایه‌های بانک‌های عمده، ریسک‌های واقعی بانک‌ها در یک بازار آزاد و رقابتی بین‌المللی را آشکار سازند. اما کمیته بال توانست برای این نگرانی آنها پاسخ مناسبی را ارائه دهد.

به عبارت دیگر، کمیته بال در سال ۱۹۸۸ یک سری دستورالعمل‌هایی را پیرامون کافی بودن سرمایه بانک‌ها اختیار کرد. این دستورالعمل‌ها با عنوان «موافقت‌نامه بال در زمینه کافی بودن نیاز سرمایه‌ای» (کفایت سرمایه) شناخته شدند. این موافقت‌نامه بانک‌ها را ملزم می‌ساخت تا به منظور حفظ سرمایه بوبر با حداقل ۸ درصد از دارایی‌های موزون شده با ریسک آنها به طور فعال در معاملات بین‌المللی وارد شوند. این استاندارد سعی داشت تا از افزایش درجه خطرپذیری بانک‌ها نسبت به ریسک اعتبار که از طریق بدست آوردن اهرم مالی بیشتر و تسنجیده حاصل می‌آمد، جلوگیری کند.

موافقت‌نامه‌های سرمایه از دو هدف اصلی حمایت می‌کنند: ۱) ملزم ساختن بانک‌ها به حفظ سطوح بالاتر اندوخته سرمایه‌ای از طریق حفظ نسبت‌های سرمایه به دارایی که برمی‌نای ریسک پایه‌گذاری شده‌اند، یعنی ریسک‌های حقیقی اعتبار و همچنین، ریسک‌های مجموعه اوراق بهادار خارج ترانزنامه بانک‌ها، ۲) ایجاد زمینه‌ای برای هماهنگ ساختن بانک‌ها. بنابراین، با توجه به این هدف، برخورداری از داشتن نیاز سرمایه‌ای کمتر از حد تعیین شده برای بانک مستقر در یک کشور، امتیاز رقابتی نسبت به بانک مستقر در کشور دیگر بوجود نمی‌آورد.

اگرچه این دستورالعمل‌ها از نظر قانونی اجباری نیستند، اما کشورهای عضو گروه ۱۰، این اهداف را به عنوان مقررات بانکی ملی‌شان پذیرفته‌اند و تعدادی از کشورهای غیر عضو گروه ۱۰ هم داوطلبانه این استانداردها را در قوانین بانکی ملی‌شان اجرا می‌کنند.

الگوهای مدیریت ریسک داخلی: در اوایل دهه ۱۹۹۰، ناظران ملی شروع به شکایت کردند که ریسک اعتبار موجود در موافقت‌نامه سرمایه آنقدر محدود است که نمی‌توان ریسک‌های

عملیاتی، نقدینگی و بازار را حل و فصل کرد، زیرا تمامی این ریسک‌ها با افزایش تعداد دفاتر تجاری و اوراق مشتقه بانک‌ها رشد می‌کنند. در ۱۲ آوریل ۱۹۹۵، کمیته بال یک روش و دیدگاه جدید را برای محاسبه نیازهای سرمایه‌ای بوجود آورد. این روش برای اولین بار به بانک‌ها اجازه می‌داد تا برای تعیین نیازهای سرمایه‌ای نظارتی از الگوهای مدیریت ریسک داخلی‌شان استفاده کنند. در عوض، پیروی از یک چارچوب مشروح و مفصل برای محاسبه درجه خطرپذیری ریسک‌های مالی و نیازهای سرمایه‌ای، بانک‌ها را قادر می‌ساخت تا در شرایط خاص از الگوهای خودشان استفاده کنند. این الگوها، در واقع، همان الگوهایی هستند که به طور روزمره در مدیریت ریسک و تجارت مورد استفاده قرار می‌گیرند و به این ترتیب، بانک‌ها می‌توانند بخش مهمی از نیازهای سرمایه‌ای نظارتی‌شان را تعیین کنند. به طور اخص، کمیته بال از «معیار ارزش در ریسک» به عنوان یک معیار استاندارد برای تعیین درجه خطرپذیری ریسک‌ها حمایت می‌کند. معیار ارزش در ریسک، برآورد حداکثر زیان موجود در ارزش مجموعه اوراق بهادار یا سیستم مالی طی یک دوره زمانی مشخص با یک سطح خاص اطمینان می‌باشد. اگر ارزش واقعی یک حساب سرمایه‌ای خاص کمتر از حداقل ارزش تعیین شده طی یک دوره زمانی در یک احتمال مشخص کاهش نیابد، این سطح اطمینان نمایان می‌شود. معیار ارزش در ریسک، همچنین، به نیاز برای ایجاد ارتباطات نزدیکتر با بانک‌ها تحت یک کنترل نظارتی و همچنین، برآورد تعیین ریسک غیرصوری و رسمی با استفاده از عوامل ارزیابی مناسب اشاره می‌کند. کمیته بال در سال ۱۹۹۷ الگوی ارزش در ریسک را اتخاذ کرد و این الگو توسط ناظران ملی کشورهای عضو گروه ۱۰ به صورت یک قانون به اجرا درآمد. به این ترتیب، بانک‌ها تشویق شدند تا در طرح چارچوبی برای تعیین وزن‌دهی مخاطره در طبقه‌بندی خاص دارایی مشارکت کنند.

در ماه ژوئن ۱۹۹۹، کمیته بال اصلاحات مهمی را به موافقت‌نامه سرمایه ۱۹۸۸ افزود و در این اصلاحات، اتکالی بیشتر ناظران بر روی مؤسسات خصوصی تعیین اعتبار و نرخ‌بندی‌های بانک داخلی قرار می‌گرفت. این پیشنهادها، به ویژه سعی داشتند تا نقاط ضعف موافقت‌نامه ۱۹۸۸ را در جهت تعیین ریسک اعتبار با توجه به تغییرات سریع شرایط و وضعیت بازارهای مالی، بررسی کنند. اصلاحات پیشنهادی سال ۱۹۹۹ به موافقت‌نامه سرمایه توصیه می‌کرد تا سیستم فعلی ارزش‌گذاری اعتبار را با سیستمی که از مؤسسات خصوصی تعیین اعتبار برای وزن‌دهی ریسک استفاده می‌کند، جایگزین سازد. اصلاحات پیشنهادی همچنین، به برخی از بانک‌های چندملیتی پیشرفته اجازه می‌داد تا از نرخ‌بندی‌های داخلی خودشان برای وام‌ها به عنوان مبنایی برای محاسبه نسبت‌های کفایت سرمایه استفاده کنند.

بعد از گزارش بخش بانکی و ناظران دولتی، کمیته بال در شانزدهم ژانویه ۲۰۰۱ یک نسخه تجدیدنظر شده را به اصلاحات پیشنهادی موافقت‌نامه سرمایه افزود و بعد از آن، این موافقت‌نامه با عنوان موافقت‌نامه جدید سرمایه شناخته شد.

**اگرچه دستورالعمل‌های مربوط به کفایت سرمایه از نظر قانونی اجباری نیستند، اما علاوه بر کشورهای عضو گروه ۱۰، کشورهای دیگری هم به صورت داوطلبانه این دستورالعمل‌ها را پذیرفته‌اند و در مقررات بانکی کشورشان لحاظ کرده‌اند.**

## دیگر هیأت‌های بین‌المللی

استانداردهای بال به عنوان یک مرجع برای فعالیت‌های آتی در همکاری با سایر انجمن‌های مالی بین‌المللی، سعی می‌کنند تا استانداردهای نظارتی را در مواردی چون اوراق بهادار، بیمه و حسابداری تحت پوشش قرار دهند. برای مثال، کمیته بال و سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (IOSCO) هر دو با کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB) فعالیت می‌کنند تا استانداردهای حسابداری بین‌المللی را ایجاد کنند. کمیته بال همچنین، با مقام مسوول نیروی اجرایی مالی (FATF) در ایجاد حداقل استانداردهای مربوط به افشای حقایق و شفافیت برای واسطه‌های مالی همکاری می‌کند تا بتواند این استانداردها را برای کاهش جرایم مالی بکار گیرد.

کمیته بال و سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (IOSCO) پیرامون یکسان شدن و همگرایی استانداردهای کفایت سرمایه برای مؤسسات مالی موافقت کردند تا بتوانند فعالیت‌های اوراق بهادار را در اوراق مشتقه در مسیر درست هدایت کنند.

سازمان IOSCO همچنین سعی کرده است تا نسبت‌های کفایت سرمایه را برای شرکت‌های فعال در زمینه اوراق بهادار مشخص سازد تا این شرکت‌ها با مقرراتی که قبلاً تحت موافقت‌نامه بال برای بانک‌ها وجود داشته است، هماهنگی پیدا کنند. همچنین، این سازمان برای اصلاح همکاری، هماهنگی و سازگاری مقررات موجود در بازارهای اوراق بهادار و اوراق آتی، تلاش‌های بی‌نظیری را در سطح بین‌الملل آغاز کرده است.

بدیهی است که اتخاذ روش غیررسمی و برداشت توافقی کمیته بال و IOSCO در برقراری استانداردها و قوانین غیراجباری برای نظارت بر بازارهای مالی بین‌المللی معمولاً به عنوان موفقیتی در ترویج همکاری و هماهنگی میان ناظران اقتصادهای پیشرفته در نظر گرفته می‌شود. اتخاذ این استانداردها توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا، آمریکا و سایر کشورهای توسعه یافته نمایانگر فرآیند مهمی است که به سمت

هماهنگ‌سازی استانداردهای نظارت مالی در بافت وسیع‌تری از یک سیستم مالی بین‌المللی حرکت می‌کند. بدون تردید، بحران مالی اواخر دهه ۱۹۹۰ باعث افزایش نگرانی دولت‌ها می‌شود، و خاطرات همین تجربه موجب می‌شود که روش‌های غیررسمی کمیته بال و سایر سازمان‌های مالی بین‌المللی، با هماهنگی نظارتی بسیار پیوسته مقامات مسوول ملی و در سایه حمایت اجلاس‌های ثبات مالی (FSI) به اجرا درآیند. به علاوه، تلاش‌های اخیر صندوق بین‌المللی پول و سازمان جهانی تجارت برای رسمی کردن روابط مالی و پولی بین‌الملل نشان می‌دهد که برای نظارت بر بازارهای مالی بین‌المللی، یک چارچوب قانونی رسمی‌تر در حال ایجاد و توسعه است.

اجلاس ثبات مالی یا سازمان‌های جانشین ممکن است یک روز از قدرت‌های تصمیم‌گیری برای نظارت بر بازارهای بین‌المللی استفاده کنند. قدرت این عامل، مشابه با قدرت‌های یک ناظر جهانی است که در بخش بعدی پیرامون آن بحث خواهیم کرد.

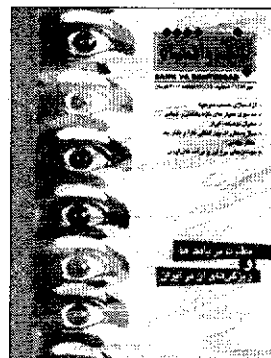
ادامه دارد

این اصلاحات پیشنهادی با ارایه شرح خاصی از ویژگی‌هایی که بانک‌ها می‌توانستند توسط آنها حداقل نیازهای سرمایه‌ای نظارتی را تعیین کنند، توانست بیسپادهای ۱۹۹۹ را اساساً توسعه و تغییر دهد. ساختار موافقت‌نامه جدید شامل سه ستون است که این سه ستون از دو طرف در حال تقویت هستند. این ستون‌ها چارچوبی برای تعیین کافی بودن نیاز سرمایه نظارتی را شامل می‌شوند. اولین ستون، حداقل هزینه سرمایه نظارتی است که دو نظریه را در بر می‌گیرد: ۱- نظریه مطابق با استاندارد؛ این نظریه براساس اصلاحات انجام شده در موافقت‌نامه ۱۹۸۸ تصویب شده است، ۲- نظریه اصلاح شده بر مبنای نرخ‌بندی‌های داخلی. نظریه مطابق با استاندارد نسبت به طبقه‌بندی‌های مختلف ریسک، حساسیت افزایش یافته هر چند محدودی را ارایه می‌کند. نظریه اصلاح شده بر مبنای نرخ‌بندی‌های داخلی با تأکید بیشتر بر روی فعالیت‌های تعیین ریسک اعتبار داخلی بانک‌ها، یک انتقال ساختاری در نظریه کمیته پیرامون سرمایه نظارتی را ارایه می‌کند. این امر به مؤسسات پیشرفته اجازه می‌دهد تا مقدار سرمایه لازم برای حمایت از ریسک‌های اقتصادی‌شان را برآورد کنند.

دومین ستون، کلیات نظارتی است با این قصد که اطمینان دهد که نه تنها بانک‌ها سرمایه کافی و لازم را برای حمایت در برابر تمامی ریسک‌های معاملات و فعالیت‌های تجاری‌شان دارند، بلکه همچنین، این دیدگاه نظارتی بانک‌ها را تشویق می‌کند تا از فن‌آوری‌های نوین مدیریت ریسک در نظارت و کنترل این ریسک‌ها استفاده کنند. این ستون ناظران را تشویق می‌کند تا روش‌های داخلی بانک‌ها را نسبت به تخصیص سرمایه و ارزیابی‌های داخلی پیرامون کافی بودن نیازهای سرمایه ارزیابی کنند. این امر می‌تواند یک فرصت به ناظران بدهد تا براساس قوه تشخیص خودشان مشخص کنند که این روش‌ها در چه مواردی و در کجاها نامؤثر و ناکارآمد بوده‌اند.

سومین ستون معلوم می‌کند که نظام بازار می‌تواند مقررات سرمایه‌ای و دیگر تلاش‌های نظارتی را به منظور اطمینان از امنیت و سلامت سیستم بانکداری تقویت کند. بنابراین، کمیته بال طیف وسیعی از سیستم‌های افشای حقایق مالی و انگیزه‌های طرح‌ریزی شده را در اختیار بانک‌ها و ناظران قرار می‌دهد تا به صورت وضعیت ریسک و سرمایه یک بانک شفافیت بیشتری بدهند. به این ترتیب، دولت‌های ملی تشویق می‌شوند تا مقررات لازم برای اجرای استانداردها را در شروع سال ۲۰۰۴ بکار گیرند.

از سوی دیگر، با توجه به اهمیت بحث کفایت سرمایه از لحاظ صحت و سلامت سیستم بانک‌ها، کمیته بال سعی کرد تا موافقت‌نامه‌های سرمایه‌ای را در بیشتر حوزه‌های فعالیت بانکی بین‌المللی اعمال نماید. موافقت‌نامه کفایت سرمایه یک معیار جهانی و همگانی است که فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و عملکردهای مدیریت ریسک مؤسسات بانکی چندملیتی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. هر چند که برخی از بانک‌ها و سیاستگذاران این موافقت‌نامه را به عنوان جریمه‌ای غیرمنصفانه برای وام‌گیری‌های ویژه با ریسک کم و همچنین، طرفدار معاملات بسیار خطرآفرین تلقی می‌کنند، اما بخش‌های پیشنهادی سال ۲۰۰۱ در ارایه دستورالعمل‌هایی برای ناظران ملی پیشرفت عمده‌ای کرد تا بتواند به بهترین نحو ممکن ریسک نظارتی را با ریسک اقتصادی تطابق دهد.



○ کمیته بال طیف وسیعی از سیستم‌های افشای حقایق مالی و انگیزه‌های طرح‌ریزی شده را در اختیار بانک‌ها و ناظران قرار می‌دهد تا به صورت وضعیت ریسک و سرمایه یک بانک شفافیت بیشتری بدهند.